

# متن کامل سخنرانی چه گوآرا



در سیزدهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۱ دسامبر ۱۹۶۴

## متن کامل سخنرانی چه‌گوارا

در سیزدهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۱ دسامبر ۱۹۶۴

استعمار محکوم به شکست است

هیأت نمایندگی کوبا در این مجمع قبل از هر چیز خوشحال است که به وظیفه‌ی خود عمل کرده و پیوستن سه ملت جدید به شمار بزرگ ملت‌هایی را که نمایندگان آن‌ها مشکلات جهان را بررسی می‌کنند، خوش آمد بگوید. ما از طریق رؤسای جمهور و نخست وزیران آن‌ها به مردم زامبیا، مالاوی و مالت تبریک گفته، و امیدواریم که این سه کشور از آغاز به کشورهای گروه عدم تعهد، که علیه امپریالیزم، استعمار، و نواستعمار مبارزه می‌کند، بپیوندند.

ما همچنین مایلیم به ریاست این مجمع تبریک بگوییم، ارتقاء ایشان به این مقام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نشانگر این مرحله‌ی جدید از پیروزی‌های چشمگیر مردم آفریقا است که تا چندی پیش در انقیاد نظام استعماری امپریالیزم به سر می‌بردند، نشانگر پیروزی خلق‌هایی که اکثر آن‌ها امروز در نتیجه اعمال مشروع حق تعیین سرنوشت خود، شهروندان دولت‌های مستقل شده‌اند. آخرین ساعت نواستعمار فرارسیده است و میلیون‌ها سکنه‌ی آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین برای دیدار یک زندگی جدید، و بدست

گرفتن حق نامحدود تعیین سرنوشت خود و برای توسعه مستقل ملت های خود بپا خاسته اند.

آقای رئیس، در انجام وظائفی که دولت های عضو به شما محول کرده اند، برایتان آرزوی موفقیت داریم.

کوبا برای بیان موضع خود پیرامون مهم ترین موضوعات مورد بحث به اینجا آمده است و با احساس مسئولیت کامل، که از الزامات استفاده از این تریبون است، موضع خود را بیان کرده و در عین حال به وظیفه‌ی غیرقابل اجتناب صحبت کردن روشن و صریح عمل خواهد کرد.

ما خواهان آن هستیم که این مجمع راضی بودن از خود را رها کرده و به جلو گام بردارد. ما خواهان آن هستیم که کمیته ها کار خود را شروع کنند و با پیش آمدن اولین رودررویی متوقف نشوند. امپریالیزم به جای آنکه از این گردهمایی برای حل مشکلات جدی جهان استفاده کند، می خواهد آن را به مسابقه در سخنوری های بی هدف مبدل کند. ما باید مانع انجام آن شویم. این مجمع نباید در آینده فقط با عدد سیزده [به عنوان سیزدهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل] مشخص شود. ما احساس می کنیم حق و مسئولیت آن را داریم که تلاش کنیم این مجمع را ثمربخش کنیم زیرا کشور ما یک نقطه‌ی اصطکاک دائمی است، یکی از جاهایی که اصول حامی حقوق ملت های کوچک هر روز، هر دقیقه به آزمون گذاشته می شود؛ و در عین حال کشور ما بمثابه‌ی یکی از سنگرهای آزادی در جهان که در چند قدمی امپریالیزم ایالات متحده واقع شده است، با اقدامات خود، بطور روزانه نشان می دهد که خلق ها در شرایط موجود جهان می توانند خود را آزاد کنند و خود را آزاد نگه دارند.

البته، اکنون اردوگاه سوسیالیستی وجود دارد که روز به روز قوی‌تر می‌شود و سلاح‌های نیرومندتری برای مبارزه در اختیار دارد. اما برای بقاء به شرایط دیگری نیاز است: حفظ انسجام درونی، باور به سرنوشت خود، و تصمیم غیرقابل برگشت مبارزه تا مرگ در دفاع از کشور و انقلاب خود. این شرایط در کوبا وجود دارند.

از تمام مشکلات حادی که این مجمع باید به آن‌ها توجه کند، مشکلی که برای ما اهمیت ویژه‌ای دارد و ما احساس می‌کنیم باید قبل از هر چیز به حل آن پرداخت، و نگذاشت در ذهن احدی تردید وجود داشته باشد، امر همزیستی مسالمت‌آمیز دولت‌های دارای نظام‌های اقتصادی و اجتماعی متفاوت است. در این عرصه پیشرفت زیادی صورت گرفته است. اما امپریالیزم، به ویژه امپریالیزم ایالات متحده، سعی کرده است این را به جهان بقبولاند که همزیستی مسالمت‌آمیز بر روی زمین حق انحصاری قدرت‌های بزرگ است.

ما آنچه را که رئیس‌جمهورمان در قاهره گفت، و متعاقباً در «اعلامیه‌ی دومین کنفرانس سران حکومت یا دولت کشورهای عدم تعهد» شکل گرفت، تکرار می‌کنیم: «اگر می‌خواهیم صلح جهانی را تأمین کنیم، همزیستی مسالمت‌آمیز نمی‌تواند تنها در میان قدرتمندان وجود داشته باشد. همزیستی مسالمت‌آمیز باید از جانب تمام دولت‌ها، مستقل از اندازه، روابط تاریخی پیشینی که آن‌ها را به هم مرتبط می‌کند، و مستقل از مشکلاتی که ممکن است در یک لحظه مشخص بین آن‌ها ظهور کند، رعایت شود.»

در حال حاضر آن نوع همزیستی مسالمت‌آمیزی که ما خواهان آن هستیم در موارد بسیاری وجود ندارد. کشور پادشاهی کامبوج، صرفاً بخاطر سیاست بیطرفانه‌ای که داشت و نمی‌خواست تسلیم دسیسه‌های امپریالیزم ایالات

متحدہ شود، از طرف پایگاہ های یانکی در ویتنام جنوبی، مورد ہمہ نوع حملات خانانہ و وحشیانہ قرار گرفتہ است.

کشور تقسیم شدہ لانوس نیز مورد ہمہ نوع تجاوزات امپریالیستی قرار گرفتہ است. بہ میثاق های بہ امضاء رسیدہ در ژنو تجاوز شدہ است، خلق های آن از هوا قتل عام شدہ اند، و بخشی از قلمرو آن مورد تہدیدات بزدلانہ دائمی نیروهای امپریالیستی قرار دارد.

جمہوری دموکراتیک ویتنام، کہ بیش تر از ہر خلق دیگر جہان با تاریخ تجاوزات آشنا است، یکبار دیگر مرزہایش مورد تجاوز واقع شدہ، تاسیسات آن از طرف جنگندہ ها و ہواپیماہای دشمن مورد حملہ قرار گرفتہ، و ایستگاہ های ساحلی آن از طرف کشتی های جنگی مورد حملہ واقع شدہ و بہ قلمرو آبی آن تجاوز شدہ است.

اتحاد شوروی و جمہوری خلق چین بہ ایالات متحدہ ہشدار جدی دادہ اند. در این شرایط نہ تنها صلح جہانی در خطر است، بلکہ جان میلیون ها انسان نیز در این بخش از آسیا مورد تہدید دائم، و تابع بلہوسی ایالات متحدہ متجاوز قرار گرفتہ است.

در قبرس نیز، در نتیجہی فشار دولت ترکیہ و ناتو، ہمزیستی مسالمت آمیز بشیوہای سبعانہ مورد آزمون قرار گرفتہ، مردم و دولت قبرس را مجبور بہ اتخاذ یک موضع استوار و قہرمانانہ در دفاع از حق حاکمیت خود کردہ است. در تمام این بخش های جہان، امپریالیزم در صدد است نسخہ خود از ہمزیستی مسالمت آمیز را تحمیل کند. این خلق های تحت ستم در اتحاد با اردوگاہ سوسیالیستی ہستند کہ باید معنی واقعی ہمزیستی مسالمت آمیز را بہ

امپریالیزم نشان دهند، و مسئولیت سازمان ملل است که از خلق های تحت ستم پشتیبانی نماید.

ما همچنین باید بگوییم که فقط در روابط بین دولت های دارای حق حاکمیت نیست که مفهوم همزیستی مسالمت آمیز باید به روشنی تعریف شود. ما، به عنوان مارکسیست، معتقد بوده ایم که همزیستی مسالمت آمیز بین ملت ها شامل همزیستی بین استثمارگران و استثمار شوندهگان، بین ستمگران و ستمکشان نمی شود.

علاوه بر این، یکی از اصول اعلام شده از طرف این سازمان حق استقلال کامل از همه ی اشکال ستم استعماری است. از اینروست که ما همبستگی خود را با خلق های گینه، آنگولا و موزامبیک به اصطلاح متعلق به پرتغال، که بجرم تقاضای آزادی خود قتل عام شده اند اعلام می کنیم و آماده ایم در حد توانایی خود و منطبق با اعلامیه ی قاهره به آن ها کمک کنیم.

ما همبستگی خود را با مردم پورتریکو، و رهبر بزرگ آن، پدرو آلبیزو کامپوس، که در سن هفتاد و دو سالگی و بعد از گذراندن عمر خود در زندان، طی یک اقدام ریاکارانه دیگر آزاد شده و اکنون فلج است و تقریباً قادر به حرف زدن نیست، اعلام می داریم. آلبیزو کامپوس یک نماد آمریکایی است که هنوز غیرقابل خرید و تسلیم نشدنی باقی مانده است. سال ها و سال ها زندان، فشارهای تقریباً غیرقابل تحمل در زندان، شکنجه روحی، حبس انفرادی، انزوای کامل از مردم و خانواده اش، وقاحت فاتحین و میاشران آن ها در سرزمین مادری اش- نتوانست اراده ی او را درهم شکنند. هیأت نمایندگی کوبا، به نمایندگی از طرف مردم آن، در برابر میهن دوستانی که باعث افتخار آمریکا هستند، ادای احترام می کند.

آمریکای شمالی، سال هاست که سعی کرده است پورتریکو را به تصویری از یک فرهنگ پیوندی مبدل کند. زبان اسپانیایی با صرف انگلیسی، زبان اسپانیایی با لولا در ستون اصلی آن، بهتر بودن خم شدن در برابر سرباز ایالات متحده. سربازان پورتریکو به عنوان گوشت دم توپ جنگ های امپریالیستی، به عنوان مثال در کره، مورد استفاده قرار گرفته اند و حتی مجبور شده اند. آنچنان که در قتل عامی که چند ماه پیش ارتش آمریکا علیه مردم بیگناه پانامانه دست به آن زد و تازه ترین اقدام شیطانی امپریالیزم یانکی است. به روی برادران خود شلیک کنند. با این وجود، علیرغم آن حمله ی دهشتناک علیه اراده و سرنوشت تاریخی آن، مردم پورتریکو فرهنگ خود، ویژگی لاتین خود، احساسات ملی خود را که در خود دلیلی بر عزم استواری است که در میان توده های این جزیره آمریکای لاتینی برای استقلال وجود دارد، حفظ کرده اند.

ما همچنین باید اشاره کنیم که اصل همزیستی مسالمت آمیز به معنی به مسخره گرفتن اراده ی خلق ها نیست. آن طور که در به اصطلاح گینه انگلیس اتفاق افتاده است و دولت چدی جاگان، نخست وزیر، قربانی همه نوع فشار و مانور شده است، و همزمان با آن، دستیابی به استقلال به علت جستجوی شیوه هایی که تحقیر اراده ی مردم را امکانپذیر نماید و در عین حال انقیاد یک دولت متفاوت با دولت کنونی را تضمین کند به تعویق افتاده است، دولتی که قرار است با تاکتیک های پنهانی سرکار بیاید و یک «آزادی» مهم به این قطعه از خاک قاره ی آمریکا اعطا کند. جدای از هر راهی که گینه برای کسب استقلال انتخاب کند، حمایت اخلاقی و رزمجویانه کوبا با مردم گینه خواهد بود.

علاوه بر این، باید اشاره کنیم که جزایر گوادالوپ و مارتینیک مدت زمان طولانی است که برای استقلال خود مبارزه می کنند بدون آنکه به آن دست یافته باشند. این وضعیت نباید ادامه پیدا کند.

ما یکبار دیگر صدای خود را بلند می کنیم تا نسبت به آنچه در آفریقای جنوبی می گذرد، به جهان هشدار دهیم. سیاست وحشیانه آپارتاید در مقابل چشمان تمام جهان در حال اجرا است. خلق های آفریقا مجبور می شوند مفهوم هنوز رسمی برتری یک نژاد بر نژاد دیگر، و قتل بدون کیفر مردم به نام برتری نژادی را در آن قاره تحمل کنند. آیا سازمان ملل نمی تواند برای متوقف کردن این کاری کند؟ من مایلم بطور مشخص به مورد دردناک کنگو اشاره کنم، مورد منحصر بفردی در تاریخ مدرن جهان، که نشان می دهد چگونه حقوق مردم با مصونیت مطلق و وقیحانه ترین بد طینتی مورد تجاوز قرار می گیرد. علت مستقیم این، ثروت عظیم کنگو است، که ملت های امپریالیست می خواهند آن را تحت کنترل خود نگه دارند. رفیق ما فیدل کاسترو در اولین سخنرانی خود در سازمان ملل گفت که کل مسأله ی همزیستی مسالمت آمیز خلق ها به مصادره ی ناحق ثروت دیگران تنزل داده شده است. او گفت: «با ناپدید شدن این فلسفه ترس و ارباب، فلسفه ی جنگ هم ناپدید خواهد شد.»

فلسفه ی ترس و ارباب نه فقط متوقف نشده است، بلکه از هر زمان دیگری قوی تر است، و به این دلیل آن هایی که از نام سازمان ملل استفاده می کنند لومومبا را به قتل رساندند و امروزه به نام دفاع از نژاد سفید هزاران کنگویی را ترور می کنند. چگونه می توان فراموش کرد به امیدی که پاتریس لومومبا به سازمان ملل بسته بود خیانت شد؟ چگونه می توان دسیسه ها و مانورهایی که پس از اشغال آن کشور از طرف نیروهای سازمان ملل - که به نام آن،



ترور کنندگان این میهن دوست کبیر آفریقایی با مصونیت عمل کردند- رخداد را فراموش کرد؟ چگونه می توان فراموش کرد کسی که اقتدار سازمان ملل در کنگو را زیر پا گذاشت - آن هم نه به دلایل میهن دوستانه، بلکه به علت کشمکش بین امپریالیست ها- مویسه تشومبه بود که با حمایت بلژیک اقدام به تجزیه کاتانگا کرد؟ و چگونه می توان توجیه کرد یا توضیح داد که در خاتمه تمام فعالیت های سازمان ملل، تشومبه کاتانگا را ترک کرد و به عنوان صاحب و ارباب کنگو بازگشت؟ چگونه می توان نقش عریانی را نادیده گرفت که امپریالیست ها سازمان ملل را مجبور به ایفای آن کردند؟

بطور خلاصه، برای جلوگیری از جدایی کاتانگا بسیج دراماتیکی صورت گرفت، اما اکنون همان کاتانگا قدرت را در دست دارد! ثروت کنگو در دست های امپریالیستی است و هزینه آن را ملت های شرافتمند باید پردازند. تجار جنگ مطمئناً کار و کسب خوبی دارند. به این دلیل است که کوبا از برخورد اتحاد شوروی در امتناع از پرداختن هزینه این جنایت حمایت می کند. و گویا اینها کافی نبوده است، ما اکنون رویدادهای تازه ای را در برابر خود داریم که جهان را مملو از دهشت و خشم کرده است. چتربازان چه کسانی هستند؟ هواپیماهای آمریکایی که از پایگاه های انگلیسی بلند شدند، چتربازان بلژیکی را منتقل کردند. انگار دیروز بود که ما شاهد آن بودیم که یک کشور کوچک در اروپا، یک کشور متمدن و صنعتی، کشور پادشاهی بلژیک، مورد حمله ای اردوی هیتلری واقع شد. ما با تأسف مطلع شدیم که این مردم بدست امپریالیست های آلمان قتل عام می شدند، و همدردی و عواطف ما با آن ها بود. اما بسیاری آن موقع روی دیگر سکه ی امپریالیستی را ندیدند. احتمالاً پسران میهن دوستان بلژیکی که در دفاع از کشورشان کشته شدند، اکنون

هزاران کنگویی را به نام نژاد سفید ترور می کنند، درست همانطور که خودشان به این دلیل که خونشان آریایی خالص نبود، زیر چکمه‌ی آلمان له شدند. اما موانع از برابر چشمان ما کنار رفته است، آن‌ها اکنون افق‌های تازه‌ای را گشوده‌اند، و ما چیزی را می‌توانیم ببینیم که دیروز در شرایط بردگی استعماری قادر به مشاهده‌ی آن نبودیم: «تمدن غربی» که صحنه‌ای از کفتارها و شغال‌ها را در پس یک ظاهر پر زرق و برق پنهان می‌کند. کفتار و شغال تنها نام برازنده‌ی آن‌هایی است که برای انجام وظائف «بشر دوستانه» به کنگو رفته‌اند. قصاب‌های خون‌آشامی که از خلق‌های بینوا تغذیه می‌کنند! آن چیزی است که امپریالیزم بر سر انسان‌ها می‌آورد؛ آن چیزی است که امپریالیست‌های «سفید» را مشخص می‌کند.

انسان‌های آزاده‌ی جهان باید برای گرفتن انتقام جنایتی که در کنگو صورت گرفته است آماده شوند. ممکن است بسیاری از سربازانی که بوسیله‌ی دستگاه امپریالیستی به «ابر مرد» مبدل شده‌اند، صادقانه باور داشته باشند که از حقوق یک نژاد برتر دفاع می‌کنند، اما در این مجمع انسان‌هایی که رنگ پوستشان با نور متفاوت خورشید و با ماده رنگی متفاوت تیره شده است در اکثریت هستند، و کاملاً و بروشنی می‌دانند که تفاوت بین انسان‌ها نه در رنگ پوستشان، بلکه در مالکیت بر ابزار تولید و در روابط تولیدی قرار دارد.

هیأت نمایندگی کوبا به خلق‌های «رودزیای جنوبی» و «جنوب غربی آفریقا»، که تحت ستم اقلیت استمارگران سفید پوست قرار دارند، به خلق‌های «باسوتولند»، «بچوانالند»، «سوازیلند»، سومالی فرانسه و خلق‌های عرب فلسطین، عدن، امارات تحت‌الحمایه، عمان و به تمام خلق‌هایی که با

امپریالیسم و استعمار مبارزه می کنند درود می فرستد؛ و ما بر حمایت خود از آن ها تأکید می کنیم.

من همچنین برای درگیری که جمهوری خواهر ما اندونزی در روابط خود با مالزی با آن رویروست، راه حل عادلانه ای را آرزو دارم.

یکی از موضوعات اساسی که در برابر این کنفرانس قرار دارد موضوع خلع سلاح عمومی و کامل است. ما حمایت خود را از خلع سلاح عمومی و کامل اعلام می کنیم. علاوه بر این، ما خواهان نابودی کامل سلاح های اتمی و برگزاری کنفرانسی از تمام کشورهای جهان برای تحقق بخشیدن به این آرزوی تمام خلق های جهان هستیم. نخست وزیر ما، طی اظهارات خود در مقابل این مجمع گفت که مسابقه ی تسلیحاتی همیشه به جنگ منتهی شده است. قدرت های اتمی جدیدی در جهان وجود دارند، و احتمال درگیری بسیار جدی است.

ما احساس می کنیم برگزاری یک کنفرانس برای رسیدن به نابودی کامل سلاح های اتمی و به عنوان اولین قدم، منع کامل آزمایش های اتمی، ضروری است. در عین حال باید تعهد روشن تمام دولت ها به احترام به مرزهای کنونی دیگر دولت ها و اجتناب از هر نوع تجاوزی حتی با استفاده از سلاح های متداول برقرار شود.

همصدا با همه ی مردم جهان که خواهان خلع سلاح عمومی و کامل، نابودی زرادخانه اتمی، و توقف کامل آزمایش هر نوع سلاح اتمی هستند، ما احساس می کنیم علاوه بر آن لازم است بر ضرورت احترام به تمامیت ارضی ملت ها و کوتاه کردن بازوی مسلح امپریالیسم، که با سلاح های غیر اتمی به همان میزان خطرناک است، تأکید شود. آن هایی که هزاران شهروند بی دفاع کنگو

را به قتل رساندند از سلاح های اتمی استفاده نکردند. آن ها از سلاح های غیر اتمی استفاده کردند، و این نوع سلاح ها که از طرف امپریالیست ها بکار گرفته می شود موجب آن همه کشته شده است.

حتی اگر قرار باشد اقدامات پیشنهاد شده در اینجا عملی شده و [نهایتاً] گفتن نکته‌ی ذیل را غیر ضرور نماید، ما هنوز لازم می دانیم یادآور شویم مادام که ایالات متحده پایگاه های تجاوزگرانه خود را در قلمرو ما، در پورتریکو و در پاناما، و در دیگر دولت های آمریکایی که احساس می کند بدون محدودیت نسبت به سلاح های اتمی و غیر اتمی، حق استقرار آن ها را دارد، حفظ نماید، ما نمی توانیم به هیچ قراردادی برای غیر اتمی کردن منطقه ملحق شویم.

به هر حال، ما احساس می کنیم با توجه به قطعنامه‌ی اخیر سازمان دولت های آمریکایی علیه کوبا، که براساس عهدنامه ریو می تواند مجوزی برای تجاوز باشد، باید بتوانیم از خودمان دفاع کنیم.

اگر چنان کنفرانسی که به آن اشاره کردیم به همه‌ی این اهداف دست یابد- که متأسفانه کار دشواری است- یکی از مهم ترین تحولات در تاریخ بشر خواهد بود. برای تضمین آن، جمهوری خلق چین باید حضور داشته باشد و این خود یکی از دلالتی است که چنان کنفرانسی باید برگزار شود. اما برای مردم جهان بسیار آسان تر خواهد بود اگر این حقیقت غیرقابل انکار را بپذیرند که جمهوری خلق چین وجود دارد، اینکه حکام آن تنها نمایندگان مردم چین هستند، و جایی را به آن بدهند که حق اوست، جایی که در حال حاضر از طرف دارودسته ای که با کمک ایالات متحده ایالت تایوان را کنترل می کند، غصب شده است.

مشکل نمایندگی چین در سازمان ملل، به هیچ طریق نمی تواند موردی از پذیرش یک عضو جدید به سازمان بررسی شود، بلکه موردی از بازگرداندن حقوق مشروع مردم جمهوری خلق چین به آن هاست. ما مفهوم «دو چین» را قویاً رد می کنیم. دارودسته ی چیانگ کای چک تایوان نمی تواند در سازمان ملل باقی بماند. این دارودسته باید اخراج شود و نماینده ی قانونی مردم چین جای آن را بگیرد.

ما همچنین علیه پافشاری دولت ایالات متحده بر نشان دادن مسأله نمایندگی قانونی چین در سازمان ملل به عنوان «یک مسأله مهم»- برای آنکه تصمیم پیرامون آن با رای دو سوم اعضای حاضر صورت گیرد- هشدار می دهیم. پذیرش جمهوری خلق چین به سازمان ملل، در واقع یک مسأله ی مهم برای تمام جهان است، اما نه برای مکانیزم های سازمان ملل که در آنجا صرفاً مسأله ی اسلوب است.

بدینگونه حق ادا خواهد شد، اما مهم تر از دستیابی به عدالت این واقعیت خواهد بود که یکبار برای همیشه نشان داده خواهد شد این مجمع با شکوه از چشم های خود برای دیدن، از گوش های خود برای شنیدن، و از زبان خود برای سخن گفتن استفاده می کند؛ و معیارهای معینی برای اتخاذ تصمیم های خود دارد.

گسترش سلاح های اتمی در میان دولت های ناتو، به ویژه داشتن این سلاح های گشتار جمعی از جانب جمهوری فدرال آلمان، امکان توافق پیرامون یک موافقتنامه خلع سلاح را، که یکی از مسائل مربوط به آن وحدت مسالمت آمیز آلمان است، بعیدتر می کند. مادام که تفاهم روشن وجود ندارد، وجود دو آلمان -یعنی جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان-

باید برسمیت شناخته شود. مسأله آلمان فقط با مشارکت مستقیم و برخوردار از حقوق کامل جمهوری دموکراتیک آلمان در مذاکرات حل می شود. ما باید اجمالاً به مسائل توسعه‌ی اقتصادی و تجارت بین المللی که بخشی از دستور کار نشست را تشکیل می دهد، بپردازیم. در سال جاری، ۱۹۶۴، کنفرانس ژنو برگزار شد، و در آن یکسری موضوعات مربوط به جوانب روابط بین الملل مورد بررسی قرار گرفت. وضعیت ناگوار کشورها از نظر اقتصادی وابسته، درستی هشدارها و پیش‌بینی‌های هیأت نمایندگی ما تأیید می‌کند.

مایلم تا آنجا که به کوبا مربوط می شود به آن اشاره کنیم، ایالات متحده آمریکا توصیه‌های روشن آن کنفرانس را بکار نبسته است، و دولت ایالات متحده اخیراً فروش دارو به کوبا را ممنوع کرده است، و برای همیشه نقاب انساندوستی که با استفاده از آن سعی کرده است طبیعت تجاوزگرانه‌ی محاصره‌ی اقتصادی مردم کوبا را پنهان نماید، کنار زده شده است.

علاوه براین، ما یکبار دیگر می‌گوییم این دسیسه‌های استعماری، که مانع پیشرفت خلق‌ها می‌شود، تنها خود را در روابط سیاسی نشان نمی‌دهند. به اصطلاح وخامت شرایط تجاری چیزی نیست مگر مبادله نابرابر بین کشورهای تولیدکننده‌ی مواد خام و کشورهای صنعتی که بر بازارها تسلط دارند و انصاف دروغین بر ارزش‌های مبادلاتی غیرمنصفانه را تحمیل می‌کنند.

مادامی که خلق‌ها از نظر اقتصادی وابسته، خود را از بازارهای سرمایه‌داری آزاد نکنند، و با کشورهای سوسیالیستی بمثابه یک بلوک، شرایط تجاری جدیدی را بین استثمارشوندگان و استثمارگران تحمیل ننمایند، توسعه‌ی اقتصادی سالم وجود نخواهد داشت، و در موارد مشخصی سیر

قهقرایی صورت خواهد گرفت و در نتیجه آن کشورهای ضعیف تحت سلطه‌ی سیاسی امپریالیست‌ها و استعمارگران قرار خواهند گرفت.

بالاخره، باید روشن کرد که در منطقه کاراییب، مائورها و تدارکاتی برای تجاوز علیه کوبا در دست اجراست؛ در سواحل نیکاراگوئه، بیش از همه، در منطقه کانال پاناما، در جزایر ویاکز پورتریکو، در فلوریدا، و احتمالاً در بخش‌های دیگر قلمرو ایالات متحده، و شاید در هندوراس هم، مزدوران کوبایی، و مزدورانی از دیگر ملیت‌ها، برای هدفی که صلح‌آمیز نمی‌تواند باشد آماده می‌شوند.

در پی یک رسوایی آشکار، گفته می‌شود دولت کوستاریکا دستور بستن تمام میادین آموزش کوباییان تبعیدی در آن کشور را صادر کرده است. کسی نمی‌داند که آیا این یک حرکت صادقانه است، یا یک مانور ساده که در نتیجه آماده بودن مزدوران تعلیم دیده برای ارتکاب برخی جرایم، صورت گرفته است. ما امیدواریم نسبت به وجود واقعی آن پایگاه‌های تجاوز- امری که ما مدت‌ها پیش آن را محکوم کردیم- توجه شود و به اینکه جهان به مسئولیت بین‌المللی دولت هر کشوری که تعلیم مزدوران برای حمله به کوبا را تصویب و تسهیل نماید، فکر خواهد کرد.

ما باید اشاره کنیم که اخبار تعلیم مزدوران در جاهای گوناگون کارائیب و مشارکت دولت ایالات متحده در آن اقدامات چیزی است که علناً در روزنامه‌های ایالات متحده منتشر می‌شود. ما نشینده ایم که از آمریکای لاتین صدایی در اعتراض رسمی به این بلند شده باشد. این نشان دهنده‌ی خباتتی است که ایالت متحده با آن مهره‌های خود را حرکت می‌دهد.

وزرای امور خارجه رند سازمان دولت های آمریکایی چشم های «دیدن» نشانه ها و یافتن «مدرک انکارناپذیر» کوبایی در سلاح های یانکی در ونزوئلا را دارند، اما تدارکات در ایالات متحده برای تجاوز را نمی بینند، همانطور که صدای پرزیدنت کندی را نمی شنوند، که علناً خود را متجاوز به کوبا در پلایا گیرون اعلام کرد. در برخی موارد این نابینایی از نفرت طبقات حاکم بر مردم آمریکای لاتین از انقلاب ما ناشی می شود، و در موارد دیگر، حتی از این تأسف آور تر بوده و نتیجه‌ی برق کور کننده ثروت مادی است.

همانطور که همه می دانند، بعد از رویداد ناگهانی ترسناک موسوم به «بحران کاراییب»، ایالات متحده در قبال اتحاد شوروی تن به تعهدات مشخصی داد که به خروج انواع مشخص سلاح انجامید. سلاح هایی که به علت ادامه‌ی تجاوز آن کشور - مانند حمله مزدورانه علیه پلایا گیرون و تهدیدات تجاوز به کشورمان- ما را مجبور کرده بود آن ها را به عنوان یک اقدام دفاعی قانونی در کوبا مستقر کنیم.

آمریکایی ها ادعا می کنند سازمان ملل باید قلمرو ما را بازرسی نماید، ما این را قاطعانه رد کرده ایم و رد خواهیم کرد، زیرا کوبا حق ایالات متحده و یا هیچکس دیگری در جهان نمی داند که بخواهد تعیین کند کوبا چه نوع سلاح هایی را در داخل مرزهای خود ممکن است نگهدارد.

در ارتباط با این، ما خود را فقط به موافقتنامه های چند جانبه با تعهدات برابر برای تمام طرف های درگیر ملزم می دانیم. فیدل کاسترو اعلام کرد: «مادام که مفهوم حاکمیت به عنوان حق ملت ها و خلق های مستقل، و به عنوان حقوق همه‌ی خلق ها وجود دارد، ما نباید محرومیت مردمان از آن حق را بپذیریم؛ مادام که این اصول بر جهان حاکمند، مادام که آن مفاهیمی که



از طرف مردم جهان پذیرفته شده اند و به این دلیل از اعتبار جهانی برخوردارند. بر جهان حاکمند، ما نباید تلاش برای محروم کردن ما از هیچیک از آن حقوق را ببذیریم و ما از هیچیک از آن حقوق دست برنخواهیم داشت.»

اوتانت، دبیرکل سازمان ملل دلایل ما را درک می کند. معذالک، ایالات متحده به خود اجازه می دهد حق جدیدی برای خود ایجاد کند، حقی خودسرانه و غیرقانونی؛ حق تجاوز به حریم هوایی هر کشور کوچک. از اینروست که ما شاهد آن هستیم که هواپیماهای یو-۲ و دیگر انواع دستگاه های جاسوسی با مصونیت کامل در حریم هوایی ما پرواز می کنند. ما برای متوقف کردن تجاوز به حریم هوایی و پایان دادن به تحریکات نیروی دریایی آمریکا علیه پست های نگهداری امن در منطقه گوانتانامو، «وزوز» هواپیماها بر فراز کشتی های خود و یا کشتی های دیگر ملیت ها در آب های بین المللی، حملات دزدانه علیه کشتی هایی که با پرچم های متفاوت حرکت می کنند، و رسوخ جاسوسان، خرابکاران و اسلحه به جزیرمان، تمام هشدارهای لازم را داده ایم.

ما می خواهیم سوسیالیزم را بسازیم؛ ما خود را جانبدار کسانی اعلام کرده ایم که برای صلح مجاهدت می نمایند؛ ما گرچه مارکسیست-لنینیست هستیم، اما خود را بخشی از گروه کشورهای عدم تعهد اعلام کرده ایم، زیرا کشورهای عدم تعهد مانند خود ما با امپریالیزم می رزمند. ما خواهان صلح هستیم، ما خواهان ساختن یک زندگی بهتر برای مردمان هستیم، و به این دلیل است که تا آنجا که ممکن است از پاسخ دادن به تحریکات برنامه ریزی شده یانکی پرهیز می کنیم. اما ما ذهنیت حکام ایالات متحده را می شناسیم؛ آن ها می خواهند ما هزینه سنگینی برای صلح بپردازیم. ما می گوئیم آن هزینه نمی تواند از مرزهای شرافت فراتر برود.

کوبا یکبار دیگر بر حق نگهداری سلاح هایی که مایل به نگهداری آن ها در قلمرو خود است، و بر امتناع از پذیرش حق هر قدرتی بر روی زمین - هر قدر هم که قدرتمند باشد- برای تجاوز به خاک، قلمرو آبی، یا حریم فضایی ما، دوباره تاکید می کند.

اگر کوبا در نشستی تعهدات ماهیتاً جمعی را بپذیرد، تمام آن تعهدات را مو به مو عملی خواهد کرد. مادام که چنان نشستی برگزار نشده است، کوبا درست مانند هر ملت دیگری، تمام حقوق خود را حفظ خواهد کرد.

نخست وزیر ما در پاسخ به تقاضاهای امپریالیزم، پنج نکته ضرور برای وجود یک صلح منطقی در کاراییب را اعلام کرد. آن نکات عبارتند از:

۱- توقف محاصره ی اقتصادی و تمام فشارهای اقتصادی و تجاری از طرف ایالات متحده در تمام نقاط جهان علیه کشور ما.

۲- توقف فعالیت های براندازی، شلیک و ارسال اسلحه، و مواد منفجره از طریق هوا و دریا، و سازماندهی تجاوزات مزدورانه، رسوخ جاسوسان و خرابکاران، و تمام اقدامات مشابهی که از قلمرو ایالات متحده و برخی از عوامل آن صورت می گیرد.

۳- توقف حملات دزدانه دریایی از پایگاه های موجود در ایالات متحده و پورتریکو.

۴- توقف تمام تجاوزات به حریم فضایی و قلمرو آبی ما از طرف هواپیماها و کشتی های ایالات متحده.

۵- خروج از پایگاه دریایی گوانتانامو و اعاده قلمرو کوبا که تحت اشغال ایالات متحده قرار دارد.

هیچکدام از این تقاضا های اساسی برآورده نشده است و نیروهای ما هنوز از پایگاه دریایی در گوانتانامو تحریک می شوند. آن پایگاه به لانه دزدان تبدیل شده است، به نقطه ای که آن ها از آنجا وارد کشور ما می شوند.

پرداختن ما به جزییات موارد بشمار انواع تحریکات، از حوصله ی این مجمع خارج است. کافی است گفته شود که تا روز اول دسامبر، تنها در سال ۱۹۶۴، بیش از ۱۳۲۳ مورد رخ داده است. این فهرست، تحریکات جزئی مانند تجاوز به خط حائل، پرتاب اشیاء از منطقه تحت کنترل آمریکای شمالی، انجام عملیات جنسی از طرف آمریکایی ها با شرکت هر دو جنس، توهین های لفظی، تحریکات خطرناک تری مانند شلیک سلاح های کوچک، برگرداندن سلاح ها به سمت قلمرو ما و توهین به نمادهای ملی ما را دربر می گیرد. تحریکات جدی تر شامل عبور از خط حائل و آتش زدن تاسیسات در سمت کوبا، هفتاد و دو مورد شلیک تفنگ در سال جاری و مرگ رامون لویز پنا، سربازی که بوسیله ی دو شلیک از طرف پست دیده بانی ایالات متحده از سه و نیم کیلومتری ساحل واقع در مرز شمالی کشته شد، می شود.

این تحریک جدی در ساعت نوزده و هفت دقیقه روز ۱۹ ژوئیه ۱۹۶۴ اتفاق افتاد و نخست وزیر ما روز ۲۶ ژوئیه علناً اعلام کرد اگر آن اتفاق تکرار شود، او به سربازان ما دستور خواهد داد تجاوز را به عقب برانند. همزمان دستور خروج نیروهای خط اول کوبا به مواضعی دورتر از خط حائل و بنای ساختمان های ضرور صادر شد.

یک هزار و سیصد و بیست و سه اقدام تحریک آمیز در ۳۴۰ روز یعنی تقریباً سه اقدام در هر روز. تنها یک ارتش کاملاً با انضباط و با روحیه قوی

مانند ارتش ماست که می تواند در مقابل این همه اقدامات خصمانه مقاومت کرده و کنترل خود را از دست ندهد.

چهل و هفت کشوری که در دومین کنفرانس سران حکومت یا دولت کشورهای عدم تعهد در قاهره گرد آمدند، به اتفاق آراء اعلام کردند:

«نظر به این امر نگران کننده که پایگاه های نظامی خارجی، در عمل، ابزاری برای وارد کردن فشار به ملت ها و متوقف کردن رهایی و توسعه ی آن ها براساس ایده های ایدئولوژیک، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود آن هاست... حمایت کامل خود را از کشورهایی که بدنبال تأمین خروج پایگاه های خارجی از قلمرو خود هستند، اعلام نموده و از دولت هایی که در کشورهای دیگر نیرو و پایگاه دارند می خواهد فوراً آن ها را خارج کنند.

کنفرانس، وجود پایگاه نظامی ایالات متحده آمریکا در گوانتانامو (کوبا) را سرپیچی از اراده ی دولت و مردم کوبا و نادیده گرفتن مفاد اعلامیه ی کنفرانس بلگراد و تجاوز به حق حاکمیت و تمامیت ارضی کوبا می داند.

نظر به اینکه دولت کوبا آمادگی خود را برای حل اختلاف پیرامون پایگاه گوانتانامو براساس موقعیت برابر با ایالات متحده اعلام کرده است، کنفرانس از دولت ایالات متحده می خواهد با دولت کوبا برای تخلیه پایگاه هایشان مذاکره نماید.»

دولت ایالات متحده به این خواست کنفرانس قاهره پاسخ نداده است و می خواهد بخشی از قلمرو ما را بطور نامحدود با زور تحت اشغال نگه داشته و از آنجا به اقدامات تجاوزگرانه ای که قبلاً به آن ها اشاره شد، دست بزنند.

سازمان دولت های آمریکایی - که بعضی ها در ایالات متحده آن را وزارت مستعمرات می دانند- ما را قاطعانه محکوم کرد، آن سازمان ما را حذف کرده

است و به اعضای خود دستور داده است روابط دیپلماتیک و تجاری خود را با کوبا قطع کنند. سازمان دولت های آمریکایی مجوز تجاوز علیه کشور ما در هر زمان و به هر بهانه را صادر کرد و اساسی ترین قوانین بین المللی را زیر پا گذاشت و سازمان ملل را کاملاً نادیده گرفت. اوروگوئه، بولیوی، شیلی، و مکزیک با آن اقدام مخالفت کردند، و دولت ایالات متحده مکزیک از همراهی با تحریم هایی که تصویب شده بود امتناع نمود. از آن موقع تا کنون ما به جز مکزیک با هیچ کشور دیگر آمریکای لاتین رابطه نداریم؛ در نتیجه امپریالیست ها یکی از مراحل اولیه نقشه تجاوز مستقیم خود را به اجرا گذاشته اند.

ما می خواهیم یکبار دیگر اشاره کنیم که نگرانی ما پیرامون آمریکای لاتین ناشی از روابطی است که ما را به هم پیوند می زند؛ زبانی که صحبت می کنیم، فرهنگ ما، و ارباب مشترکی که داریم. اما ما دلیل دیگری برای خواست رهایی کشورهای آمریکای لاتین از یوغ استعماری ایالات متحده نداریم. اگر در اینجا هر کشور آمریکای لاتین تصمیم بگیرد [روابط خود را دوباره برقرار کند، آن روابط باید بر] پایه ی برابری باشد و نه بر این تصور که گویا به کشور ما لطف می کنند و ما را به عنوان یک کشور آزاد در جهان برسمیت می شناسند، زیرا ما با خون خود در روزهای مبارزه امان برای رهایی به آزادیمان رسمیت بخشیدیم.

گرچه ما هر تلاشی که بخواهد دخالت در امور داخلی دیگران را به ما نسبت بدهد را رد می کنیم، اما نمی توانیم انکار کنیم که ما با خلق هایی که برای آزادیشان مبارزه می کنند همدردی نشان می دهیم، به تعهد دولت و مردم خود کاملاً وفاداریم و به وضوح و بدون ابهام به جهان اعلام می کنیم که ما از نظر

اخلاقی از خلق هایی که در همه جا برای واقعیت بخشیدن به حقوق حاکمیت کامل اعلام شده در منشور سازمان ملل مبارزه می کنند حمایت کرده و خود را با آن ها یکی می دانیم.

این ایالات متحده آمریکا است که دخالت می کند. ایالات متحده آمریکا است که در طول تاریخ دخالت کرده است. از پایان قرن گذشته، کوبا با حقیقت امر خوب آشنا بوده است، حقیقتی که ونزولا، نیکاراگونه، آمریکای مرکزی بطور اعم، مکزیک، هاییتی، و سانتو دومینگو نیز آن را خوب می دانند. در سال های اخیر، علاوه بر خلق های ما، موقعی که تفنگداران کانال بر روی مردم بی دفاع آتش گشودند، پاناما نیز با تجاوز مستقیم آشنا شده است؛ سانتا دومینگو نیز، که سواحل آن از طرف ناوگان دریایی یانکی جهت جلوگیری از انفجار خشم بر حق مردم آن بعد از مرگ تروخلیو مورد تجاوز قرار گرفت؛ و کلمبیا نیز، که پایتخت آن در پاسخ به شورشی که در پی ترور گایتان رخ داده بود، مورد حمله واقع شد.

مداخلات پنهان از طریق میسیون های نظامی که در سرکوب داخلی شرکت می کنند، و در بسیاری از کشورها نیروهایی را برای آن هدف آموزش می دهند، و همچنین از طریق کودتاهایی که به کرات طی چند سال گذشته در قاره ی آمریکا تکرار شده است، صورت می گیرد. بطور مشخص، نیروهای ایالات متحده در سرکوب خلق های ونزولا، کلمبیا، و گواتمالا که به مبارزه ی مسلحانه برای آزادی خود دست زدند، شرکت کرده اند. در ونزولا، آمریکایی ها نه تنها نقش مستشار ارتش و پلیس را دارند، بلکه دست به عملیات مستقیم نسل کشی علیه جمعیت دهقانی در مناطق وسیع تحت کنترل

شورشیان نیز می‌زنند، و شرکت‌های ایالات متحده که در آنجا مستقر شده‌اند برای افزایش مداخله مستقیم همه‌نوع فشار وارد می‌کنند.

امپریالیست‌ها تدارک سرکوب خلق‌های قاره آمریکا را می‌بینند و در حال تاسیس [شبکه] بین‌المللی جنایت‌اند. ایالات متحده در قاره‌ی آمریکا به بهانه‌ی «دفاع از نهادهای دموکراتیک» دخالت کرد. زمانی خواهد رسید که این مجمع به بلوغ بیش‌تری خواهد رسید و از دولت ایالات متحده آمریکا برای جان جمعیت سیاه و آمریکای لاتینی که در آن کشور زندگی می‌کنند، و اکثراً شهروندانی هستند که در جای دیگر دنیا آمده‌اند، طلب تضمین خواهد کرد.

آن‌ها چگونه می‌توانند ادعای «پاسداران آزادی» بودن را داشته باشند، هنگامی که فرزندان خود را می‌کشند و روزانه علیه مردم بخاطر رنگ پوستشان تبعیض قائل می‌شوند؛ هنگامی که آن‌ها نه تنها قاتلان مردم رنگین پوست را آزاد می‌کنند، بلکه آن‌ها را تحت حمایت خود قرار داده و جمعیت رنگین پوست را بخاطر طلب حقوق مشروعشان بمتاب‌هی انسان‌های آزاد، مجازات می‌کنند؟ ما درک می‌کنیم که مجمع در حال حاضر در وضعیتی نیست که راجع به این اقدامات توضیح بخواهد، اما باید این را مسلم کرد که دولت ایالات متحده قهرمان آزادی نبوده، بلکه عامل جرم استثمار و سرکوب خلق‌های جهان، و بخش بزرگی از جمعیت خودش است.

در ارتباط با زبان دو پهلویی که برخی از نمایندگان در مورد کوبا و سازمان دولت‌های آمریکایی بکار بردند، ما رُک و راست می‌گوییم، دولت‌ها بخاطر خیانت‌هایشان مسئول خواهند بود.

کوبا یک حکومت آزاد و مستقل است، هیچ زنجیری آن را به کسی نمی‌بندد، هیچ سرمایه‌گذاری خارجی در قلمرو آن وجود ندارد، هیچ فرمانفرمای خارجی سیاست آن را هدایت نمی‌کند، و می‌تواند باغرور در این مجمع صحبت کند و درستی این عبارت را نشان بدهد که همیشه «سرزمین آزاد آمریکا» خواهد بود.

نمونه ما در قاره به ثمر خواهد نشست، همانطور که در حال حاضر تا حد مشخصی در گواتمالا، کلمبیا و ونزولا ثمر داده است. امپریالیست‌ها دیگر نباید با یک دشمن کوچک، با یک نیروی ناچیز، مقابله کنند، زیرا مردم دیگر پراکنده نیستند.

همانطور که در بیانیه دوم هاوانا آمده است:

«هیچ خلق آمریکای لاتین ضعیف نیست، زیرا بخشی از یک خانواده ۲۰۰ میلیون برادر است که در محاصره مصائب قرار دارد، همان احساسات را دارد، و همان دشمن را، در عین حال همه‌ی آن‌ها رویای همان سرنوشت را دارند و از حمایت تمام مردان و زنان شریف جهان برخوردارند.

تاریخ آینده تاریخ توده‌های سرخ پوستان گرسنه، تاریخ دهقانان بی‌زمین، تاریخ کارگران استثمار شده خواهد بود، و آن را توده‌های مترقی، روشنفکران شریف و تیزهوش که در سرزمین‌های نگون بخت آمریکای لاتین ما فراوانند، با مبارزه توده‌ها و ایده‌ها خواهند نوشت؛ عصری که با خلق‌های ما که مورد بدرفتاری و نفرت امپریالیزم بوده‌اند به پیش خواهد رفت، خلق‌های ما که تاکنون به حساب نمی‌آمدند اکنون دارند بیدار می‌شوند. ما را یک گله ناتوان و سربه‌زیر تصور می‌کردند؛ اما آن‌ها اکنون از آن گله



می‌ترسند، یک گله ۲۰۰ میلیونی آمریکایی‌های لاتین، که زنگ خطر را برای سرمایه‌داران انحصارگر یانکی به صدا درآورده است.

ساعت حقانیت، ساعتی را که آن توده برای خود برگزید، اکنون از یک سر قاره تا سر دیگر آن به صدا در آمده است. آن توده‌های گمنام، آمریکای رنگین پوست، غمگین، تسلیم‌ناپذیر، که در سرتاسر قاره همان سرود غمگانه و سوگوارانه را می‌خواند، آن توده اکنون قاطعانه ورود به تاریخ خود، و نوشتن تاریخ خود را با خون، و رنج بردن و مردن برای آن را آغاز کرده است. زیرا اکنون، در مزارع و کوه‌های آمریکا، در دشت‌ها و جنگل‌های آن، در کنج خلوت، در قیل و قال شهرها، در سواحل اقیانوس‌ها و رودهای بزرگ آن، جهانی مملو از قلب‌های طپنده در حال شکل‌گیری است، قلب‌هایی که آماده‌اند برای آنچه که متعلق به آن‌هاست و برای فتح حقوق خود که نزدیک پانصد سال زیر پا گذاشته شده است، بمیرند.

تاریخ باید داستان فقرای آمریکا را بگوید، تاریخ استعمارشدگان آمریکای لاتین را که تصمیم گرفته‌اند نوشتن برای خودشان، برای همیشه نوشتن از سفر دور و دراز خودشان را آغاز کنند. ما هم اکنون آن‌ها را گام زنان در کنار آن جاده‌ها می‌بینیم، پیاده، روز بعد از روز، در مارش‌های طولانی و بی‌پایان، صدها کیلومتر، تا به «اولیمپوس» حاکم برسند و حقوق خود را باز ستانند. ما آن‌ها را مسلح به سنگ، چوب، داس می‌بینیم، اینجا، آنجا، همه جا، که روزانه زمین‌های خود را اشغال می‌کنند، و در زمینی که متعلق به آن‌هاست ریشه می‌دوانند و با جان خود از آن دفاع می‌کنند؛ ما آن‌ها را پرچم بدست می‌بینیم، پرچم‌های آن‌ها در باد، در کوه‌ها و در دشت‌ها در اهتزاز است. و آن موج خشم اوج‌گیرنده، موج خواست‌های برحق، موج حقوق پایمال شده، در

سرتاسر آمریکای لاتین بلندتر می شود و هیچکس نمی تواند آن را سد کند؛ روز به روز رشد خواهد کرد زیرا در هر جانب از توده‌ی بزرگ تشکیل می‌شود، از کسانی که با کار خود ثروت‌های زمین را می‌آفرینند، و چرخ تاریخ را به حرکت در می‌آورند، کسانی که اکنون از خواب طولانی و رخوت‌انگیز بیدار می‌شوند.

زیرا این بشریت بزرگ گفته است «کافیست» و حرکت به پیش را آغاز کرده است. و مارش آن‌ها، مارش غول‌ها نمی‌تواند متوقف شود، و متوقف نخواهد شد تا استقلال واقعی خود را، که تا کنون بسیاری برای آن جان خود را، و نه بیهوده، از دست داده‌اند، فتح کنند. در هر صورت، کسانی که می‌میرند مانند کسانی خواهند مرد که در کوبا، در پلایا گیرون، جان باختند؛ آن‌ها برای استقلال واقعی خود، که هرگز از آن دست نخواهد شست خواهند مرد.»

این عزم جدید تمام قاره‌ی آمریکا هر روز خود را در بانگ توده‌های ما بمثابة بیان انکارناپذیر تصمیم آن‌ها برای رزمیدن، برای قطع کردن دست متجاوز نشان می‌دهد. این بانگی است که از درک و حمایت تمام خلق‌های جهان به ویژه اردوگاه سوسیالیستی، به سرکردگی اتحاد شوروی برخوردار است.

آن بانگ می‌گوید: «یا وطن یا مرگ»

منبع: انتشارات وزارت امور خارجه کوبا ، هاوانا

ترجمه: مرکز مطالعات ارنستو چه گوارا

بازنویس: یاشار آذری